

بررسی رابطه بین ساختار بدهی ها و ریسک سقوط قیمت سهام با تاکید بر نقش حاکمیت

شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

لیلا عبدی^۱

۱- کارشناس ارشد-رشته حسابداری-مدرس دانشگاه پیام نور استان اردبیل (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سطح ساختار سرمایه و نوسان قیمت سهام با تاکید بر نقش حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که بر اساس صورتهای مالی سالانه ۱۲۶ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفته است. از نسبت بدهی های کوتاه مدت به عنوان معیار ساختار بدهی شرکت استفاده گردید و جهت اندازه گیری ریسک سقوط قیمت سهام از میزان تغییرات بازده شرکت نسب به بازده بازار استفاده شد. نتایج تحقیق تحقیق نشان داد که بین ساختار بدهی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معنی داری وجود دارد. حاکمیت شرکتی بر رابطه بین ساختار بدهی و ریسک سقوط قیمت سهام تاثیرگذار می باشد.

واژگان کلیدی: ساختار بدهی، ریسک سقوط قیمت سهام، حاکمیت شرکتی

مقدمه:

یکی از موضوعاتی که در ارتباط با رفتار قیمت سهام به طور گسترده مورد توجه پژوهشگران مالی بوده است، تغییرات ناگهانی قیمت سهام است که به دو صورت سقوط و جهش در قیمت سهام رخ میدهد. با توجه به اهمیتی که سرمایه گذاران برای بازده سهام خود قائل هستند، پدیده سقوط قیمت سهام که منجر به کاهش شدید بازده سهام میشود، در مقایسه با جهش، بیشتر مورد توجه قرار میگیرد. سقوط قیمت سهام یک تغییر منفی بسیار بزرگ و غیرمعمول در قیمت سهام است که بدون وقوع یک حادثه مهم اقتصادی رخ میدهد و به عنوان پدیدههای مترادف با چولگی منفی در بازده سهام در نظر گرفته می شود (هاتن و همکاران، ۲۰۰۹).

بسیاری از پژوهشگران بر این باور هستند که سقوط قیمت سهام از مدیریت اطلاعات داخلی آن ناشی می شود. مدیران

واحدهای اقتصادی به همان اندازه که به انتشار اخبار خوب در خصوص شرکت تمایل دارند؛ سعی در پنهان نمودن اخبار بد نیز دارند (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹).

از طرفی رفتار سرمایه گذاران در بورس، نحوه تصمیم گیری، تخصیص منابع پولی، قیمت گذاری و ارزیابی بازده شرکتهای را تحت تأثیر قرار می دهد. شرایط مبهم و اشتباهات شناختی که در روانشناسی انسان ریشه دارد، باعث می شود که سرمایه گذاران در شکل دهی انتظارات خود، مرتکب اشتباه شوند و در نتیجه، رفتارهای ویژه در هنگام سرمایه گذاری در بازارهای مالی از خود بروز دهند

سرمایه گذاران قادر به شناسایی و کشف پروژه های زیان ده شرکت نیستند. ناتوانی سرمایه گذاران در تمایز بین پروژه های سودده و زیان ده در مراحل اولیه آنها باعث میشود که پروژه های زیان ده ادامه یابد و با گذر زمان زیاندهی آنها افزایش یابد. بازده منفی این نوع پروژهها در طول زمان در داخل شرکت انباشت می شود و هنگامی که اطلاعات مربوط به آنها افشا میشود، قیمت سهام به شدت کاهش پیدا خواهد کرد (هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). یکی از این عوامل که می تواند باعث سقوط قیمت سهام شود تغییرات ساختار بدهی های شرکت می باشد. بدهی های کوتاه مدت به دلیل اینکه توسط اعتبار دهندگان تحت نظارت بیشتری قرار دهد که این کار به نوبه خود باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می گردد لذا هرچه میزان عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یابد، میزان انباشت اطلاعات بد نیز کاهش می یابد که در نتیجه باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می گردد از طرفی دیگر حاکمیت شرکتی مناسب نیز می تواند با نظارت بیشتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میزان تاثیرگذاری نسبت بدهی های کوتاه مدت را بر ریسک سقوط سهام افزایش یابد لذا با توجه به مطالب ارائه شده تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که رابطه بین ساختار بدهی ها و ریسک سقوط قیمت سهام با تاکید بر نقش